

تقیه تاکتیک مبارزه است نه فرار از مسؤلیت

می گوید: «استاد و پنهان کاری يك علامت شناخته شده در تاریخ شیعیان است، شنیده ایم که امام آنان به حکم تقیه با دستورهای شرع مخالفت نموده مثلاً اقدام به شرب خمر می نمایند» !!

ملاحظه می کنید که این مرد از آغاز نوشته خود به ستیزه با حضرت ختعی مرتبت در درجه اول و با شیعیان در درجه دوم برخاسته است. خود شبخانه استاد «احمد محمد شاکر» پاورقی در يك صفحه ونیم بر این مقاله نوشته است که ای کاش آن مرد فاضل بزرگوار امساک در نوشتن نمی کرد و افاهه بیشتری ارزانی می داشت. خوانندگان عزیز خود استنباط کردند که اصولاً اشتر و تمان معنی تقیه را نفهمیده است و به مأخذ عمده اسلامی اهم از آثار اهل سنت یا شیعه مراجعه نکرده است اینک برای اطلاع خوانندگان محترم، عقاید گروهی از پیشروان علمای شیعه در کمال اختصار بیان می شود تا متوجه

مقاله دیگری که در حرف «ت» (جلد ۵ ترجمه دائرة المعارف الاسلامیه) (صفحه ۴۱۹ تا ۴۲۲) نوشته شده است زیر عنوان «تقیه» و بقلم «اشتر و تمان» است در آغاز این مقاله اشتر و تمان نوشته است: «تقیه در اصطلاح عبارت است از این که: شخص هنگامی که مورد اجاریا تهدید قرار گیرد، واجبات دینی را ترك نموده از عقاید مذهبی خویش دست بردارد، خود حضرت محمد (ص) خویشتن را از شکنجه هایی که در راه دین به او وارد می شد، نجات داد... چنانکه در زندگی با مهاجرت (به مدینه) خویشتن را نجات داد و به هنگام ناچاری انکار عقیده را مجاز دانست».

آنگاه پس از چند سطر بقلم فرسائی چنین می نویسد:

«تقیه» واقعیت ویژه ای نزد شیعیان دارد و در حقیقت صفت مشخصه آنان محسوب می گردد» تا آنجا که

از لحاظ ظاهر باروی گشاده رفتار نماید و معنای تقیه آن نیست که حلالی را حرام بداند یا حرامی را حلال پندارد یا آن که با کفار در انجام کار حرامی شریک گردد، باز هم تاکید می‌نماید که تقیه فقط در گفتار است نه در اعتقاد.

گوئی سید شریف رضی بدین مقدار قانع نمی‌شود زیرا باز تکرار می‌کند که تقیه فقط در موردی است که مومن احساس کند جانش در خطر است یا لااقل بعضی از اعضای او را قطع خواهند نمود. سپس اضافه می‌کند که «حجر بن عدی» که به زبان اظهار کفر نکرد تا کشته شد، در نزد مسلمانان افضل از عماریا سربود که به تقیه رفتار نمود. ترجمه همه مطالب این بزرگ مرد موجب اطنااب است (۲)

عقیده شیخ مفید متکلم بزرگ شیعه (متوفی ۴۱۳ هجری قمری) و استاد سید رضی در باب تقیه چنین نقل شده است: «فقط گاهی ممکن است تقیه واجب باشد. گاهی تقیه نکردن بهتر است و چه بسا که ترک تقیه افضل باشد از تقیه» (۳)

دانشمند دیگر شیعی شیخ طوسی که به عنوان شیخ الطایفه نامیده شده در مورد تقیه چنین می‌گوید: «به نظر ما تقیه هنگام ترس از جان واجب می‌شود، بنا به روایتی اظهار حق نیز در چنین مواردی جایز است» (۴)

علی بن ابراهیم قمی، مفسر دیگر شیعه که

شویم که هرگز امامی از شیعه شرب خمر نمی‌نماید. بطوری که می‌دانیم آیاتی که در مورد تقیه بدان استناد شده دو آیه است، یکی آیه ۲۸ سوره آل-عمران و دیگری آیه ۱۰۶ سوره نحل.

آیه سوره آل عمران چنین می‌باشد: «مومنان کفار را - بجای مومنان دیگر - به عنوان دوست انتخاب نکنند و کسی که چنین کاری انجام دهد، از خدا نیست (پیوند او با خدا گسیخته شده است). مگر این که از آنان بترسید (تقیه کنید)» (۱)

خوشبختانه در این مورد اقوال چند تن از بزرگان شیعه که در قرن چهارم و اوائل قرن پنجم میزیسته‌اند در دست است

«سید رضی» (متوفی ۴۰۶ هجری قمری) که بدون تردید از درخشانترین ستارگان افق اعلای شیعه در قرن چهارم است در کتاب پر ارزش «حقایق التاویل» مبحثی خاص را بدین مطلب مخصوص گردانیده است و با عنوان «موالاة الکافرین عند التقیه» وارد بحث شده است، او نخست مینویسد: مراد از این آیه این است که فقط در حال خوف می‌توان زبانی، با کفار اظهار مودت نمود و قلباً از آنان متنفر بود. آنگاه گفتار خود را تفسیر می‌نماید که پاره‌ای از علمای شیعه گفته‌اند این حکم در مورد مومنی است که بکه و تنها در میان کافران افتاده باشد یا در حکم شخص تنها باشد. اومی تواند فقط با ایشان

۱- لا یأخذ المؤمنون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین ومن یفعل ذلک فلیس من الله فی شئی الا ان یتقوا منهم تقاة»

۲- به حقایق التاویل ج ۵ صفحات ۷۲ تا ۷۷- چاپ نجف ۱۹۳۶- مراجعه شود

۳- مجمع البیان ج ۳ ص ۵۶ چاپ ۱۹۶۱

۴- تفسیر تبیان ج ۵ ص ۲۳۵ چاپ نجف

میان کفار باشد و از ایشان بر جان و مال خود بترسد. دوم آن که اگر بتواند در همین حال ایمان خود را اظهار نماید، بهتر است.

سوم آن که تقیه در مورد زیان‌هایی که به دیگران برگردد جایز نیست.

چهارم آن که ظاهر آیه دلالت بر تقیه با کفار دارد، ولی شافعی می‌گوید در هر حال در مورد حفظ جان تقیه لازم است.

پنجم آن که تقیه به استناد فرمایش پیامبر که فرموده است احترام مال مسلمان چون احترام خون اوست، در مورد اموال و زیان‌های مالی هم جایز است ششم آن که گروهی تصور کرده‌اند که تقیه در آغاز اسلام بواسطه ضعف مؤمنان بوده است و حال آن که از حسن بصری روایت شده است که تقیه برای مؤمنان تا روز رستاخیز جایز است و این گفتار صحیح‌تر است.

«ابوالقرح بن الجوزی» مفسر معروف که کتاب تفسیر «زاد المسیر» را نوشته در ۵۹۷ در گذشته و معاصر فخر رازی بوده است در کتاب خود در ذیل این آیه می‌گوید که در ذیل آیه سوره نحل در این باره گفتگو خواهد نمود (۴) آنگاه در صفحه ۴۹۶ جلد ۴ در ذیل عنوان جداگانه‌ای چنین نوشته است: «اگر کسی را که او نمایند که کفر بگوید گفتن کفر برای او مباح

در ۳۰۷ هجری قمری، یعنی دوره غیبت صغری در گذشته است و تفسیر او از نمونه‌های خوب تفسیر بر مبنای حدیث است چنین می‌نویسد: «ایسن آیه دلالت بر جواز دارد، معنای ظاهری آن مخالف باطن آن است، باید طبق ظاهر آن عمل کرد، و جز هنگام تقیه، بر اساس باطن آن نباید گام برداشت» (۱) این‌ها نمونه‌هایی از گفتار بزرگان مذهب شیعه بود در باب تقیه. تقیه بر این مبنی مورد تایید برادران اهل سنت هم می‌باشد. بر شمردن همه مدارک، موجب طولانی شدن بحث است ولی لظفاً به موارد ذیل که موضوع تقیه در آنها آمده است توجه فرمائید:

«امام قرطبی» که از مفسران بنام اهل سنت است در صفحه ۵۸ جلد ۴ تفسیر خود چنین مینویسد: «حسن بصری گفته است تقیه تا روز رستاخیز برای آدمیان جایز است و مومن هر گاه در میان کفار باشد برعهده اوست که با آنان مدارا کند، اگر بر جان خویش بیمناک باشد، و تقیه روا نیست مگر با خوف از کشته شدن یا قطع اندام و یا آزار عظیم». (۲)

فخر رازی مفسر دیگر که از بزرگترین مفسران اهل سنت است در این مورد در تفسیر خود (۳) چنین می‌نویسد: «برای تقیه احکام خاصی است که ما پاره‌ای از آن را بیان می‌کنیم:

نخست آن که تقیه در موردی است که مسلمان در

۱- ج ۱ ص ۱۰۰ چاپ نجف

۲- وقال الحسن «البصری» واتفق جازرة للانسان الى يوم القيامة والمؤمن اذا كان قائما بين الكفار فله ان يداريهم باللسان اذا كان خائفا على نفسه. والتقية لانحل الامع خوف القتل او القلع او الايذاء العظيم

۳- ج ۸ ص ۱۴ چاپ مصر

۴- ج ۱ ص ۳۷۲ چاپ بيروت

سنت در صفحه ۳۵۷ جلد ۱ تفسیر خود از قول بخاری محدث معروف نقل می کند که تقیه با زبان لازم است و در همان مأخذ مینویسد که بخاری از حسن بصری نقل می کند که می گفت تقیه ناز و زستناخیز جایز است شوکانی نویسنده کتاب تفسیر «فتح القدير» (۲) چنین می نویسد: «و این دلیل است برای این که هنگام ترس، دوستی با آنان (فقار) جایز است ولی این دوستی باید تنها ظاهری باشد نه واقعی»

محمد بن جریر طبری مورخ و مفسر معروف قرن چهارم هجری که از بزرگان اهل سنت است در این مورد احادیث متعدد آورده است (۳) و باز برای اختصار باید که نمونه ای اکتفا می شود: «حسن بصری می گوید: از معاذ شنیدم که گفت: عید از قول ضحاک به ما خبر داد که او پیرامون آیه شریفه «الان تنقوا منهنم تقاة» می گفت: تقیه تنها با زبان است که اگر کسی را به گفتن سخنی که نزد خدا گناه است، ناچار کنند، و او از ترس جان، آن سخن را بگوید، ولی در باطن از آرامش ایمانی برخوردار باشد، گناهی نکرده است، زیرا تنها با زبان تقیه نموده است» سلیمان بن عمر شافعی «متوفی ۱۲۰۴ ه. ق.» که پیرو مذهب امام شافعی است در تفسیر خود موسوم به «فتوحات الالهیه» (۴) با بحثی مستوفی با ذکر احادیث در این باره دارد همچنین جلال الدین سیوطی در تفسیر «الدر المنثور» (۵) احادیث متعدد از ابن عباس و سایر صحابه بزرگوار رسول الله در مورد تقیه آورده است.

همچنین صفحات ۱۳۲ تا ۱۳۵ ج ۴ تفسیر «الدر المنثور» سیوطی مشحون از احادیث گوناگون در مورد تقیه و فتاوی علمای بزرگ اهل سنت است.

تاتمام

۲۷۴

خواهد بود و در این مورد از احمد «حنبل» در روایت رسیده است نخست آن که مسلمان برسد که او را بکشند یا آنکه بعضی از اعضای او را قطع نمایند. روایت دوم آن است که احمد می گوید اگر اسیری را مخیر کردند میان آن که بقتل برسد یا شرب خمر نماید اگر صبر کند تا کشته شود شرف و بزرگواری بهره اوست و اگر صبر نکند اجازه دارد و می تواند شرب خمر نماید.

ملاحظه می فرمائید که ممکن است این روایت موجب شده باشد که اشتر و تمان بگوید شیعه معتقد است که در تقیه امام می تواند شرب خمر نماید. در دست این ضرب المثل را بخاطر می آورد که «حسن و حسین هر سه دختران معاویه اند! بیشتر کارهای آقایان خاورشناسان در امور دینی بر همین منوال است.

ابو حیان اندلسی (متوفی ۷۵۴) نویسنده پر ارزش «بهر المحيط» (۱) در ذیل این آیه مفصلاً بحث نموده و اقوال مختلف را گرد آورده است. نقل همه اقوال لازم نیست لطفاً در این چند جمله دقت فرمائید قاده می گوید: «اگر کفار در اکثریت باشند یا این که مسلمان در میان عده ای از کفار گرفتار باشد و از آنان برسد، می تواند با آنان هم پیمان گردد و برای دفع شر با آنان مدارا نماید».

این کثیر (متوفی ۷۷۲) مفسر و مورخ معروف اهل

۱- ج ۲ ص ۴۲۳ چاپ ریاض

۲- ج ۲ ص ۳۳۱

۳- تفسیر طبری ج ۳ صفحات ۱۲۱ و ۱۲۲ چاپ مصر

۴- صفحات ۲۵۸ و ۲۵۹ چاپ قاهره

۵- ج ۲ صفحه ۱۶ و صفحات بعد

مکتب اسلام